

Symbols of Zoroastrian Gods on the Parthian Drachma Coins of Reza Abbasi Museum with an emphasis on Izad Mehr

Bitā Sodaei¹

¹ Associate Professor, Department of Archaeology, Faculty of Humanity Science, Islamic Azad University of Varamin, Tehran, Iran

(Received: ۰۶,۰۱,۲۰۲۳, Revised: ۲۲,۰۱,۲۰۲۳, Accepted: ۲۹,۰۱,۲۰۲۳)
<https://doi.org/10.22070/AAJ.2023.29031.1168>

Abstract:

Coins are engraved metals that are similar to a book full of historical, cultural, religious, and mythological information that can survey their motifs through symbolism. Therefore, studying the images and symbols on them opens a window to ancient periods for researchers. The Parthians (Arsacid) is one of the most important periods of ancient Iran. due to their long reign, they minted many coins with various motifs. The aim of this study is identifying the symbols of Mehr (Mithras) in the Parthian drachma coins of Ekbatan mint, to be revealed the religious belief of the rulers of this period. This research has been done in a descriptive-analytical method with an iconographic approach, which is a method of collecting information and data based on library and museum studies. The statistical society consists, two hundred and fifty coins in the repository of the Reza Abbasi Museum were examined and studied. These coins were purchased from individuals and collectors in the years before the ۱۹۷۹ Revolution. The results show, according to Zoroastrian religious texts, the motifs that symbolize Mithras are: Bow, Rosette, Flag, Ring, Bird, Star and Moon. Parthian Kings have used these symbols since the beginning of their reign which is caused by their being warriors and nomads. Symbols of Mithras increase during the reign of Mithradase II to Artabanos II (۱۲۱ BC- ۳۸ AD), Its probably caused by the increase of their power in the region and from the reign Vologases I to the end of the period, the symbols of Mehr are removed from the drachmas, on the king's hat can be seen deer antler symbol which originates from the nomadic traditions of Central Asia. Considering that Parthian kings were liberal in religious matters. they did not have an official religion but mostly they have used Mehr (Mithra) symbols in the drachmas.

Keywords: Coins, Parthian, Typology, Zoroastrian Gods, Mithra (Mehr)

¹ Bitā.sodaei@iau.ac.ir

How to cite: Sodaei, B. (۲۰۲۳). 'Symbols of Zoroastrian Gods on the Parthian Drachma Coins of Reza Abbasi Museum with an emphasis on Izad Mehr', Journal of Applied Arts, ۲(۱), pp. ۱۰-۲۰. doi: 10.22070/aj.2023.29031.1168

نمادهای ایزدان زرتشتی در سکه‌های یک‌درهمی

پارتی موزه رضا عباسی با تأکید بر ایزد مهر

بی‌تا سودایی^۱

^۱ دانشیار، گروه باستان‌شناسی، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی ورامین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۱۶، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹)
<https://doi.org/10.22075/AJ.2023.29531.1168> مقاله علمی-پژوهشی

چکیده

سکه‌ها فلزات منقوشی هستند که با پرداختن به نقوش روی آن‌ها، در پیچه‌ای به اعصار گذشته، مقابل پژوهشگران باز می‌شود. از آنجایی که ایدئولوژی حاکمان در شکل‌گیری نقوش، تأثیر بسزایی دارد، پرداختن به آن‌ها از دیدگاه نمادشناسی، باعث روشن شدن مذهب و سیاست و فرهنگ جوامع می‌شود. سلسله پارت، یکی از ادوار مهم ایران باستان است که به علت طولانی بودن حکومتشان، مسکوکات متعددی در این دوره ضرب شده که از نظر نقش، بسیار متنوع است. هدف این پژوهش، شناسایی نمادهای ایزد مهر در سکه‌های یک‌درهمی ضراب‌خانه اکباتان، به منظور آشکار شدن سیاست مذهبی حاکمان این دوره است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد نمادشناسی و به شیوه اسنادی-میدانی انجام شده است. بدین ترتیب، نقوش ۲۵۰ سکه پارتی موجود در مخزن موزه رضا عباسی بررسی شد. یافته‌ها عبارت بود از: کمان، نیلوفر، زنبق، حلقه، پرند، ستاره و ماه. نتایج نشان می‌دهد با توجه به متون مذهبی، این نقش‌مایه‌ها نمادهای ایزد مهر به شمار می‌آیند و حاکمان پارت، از همان ابتدای سلطنت، از این نمادها در سکه‌های یک‌درهمی خود استفاده کرده‌اند که نشأت گرفته از روحیه جنگ‌جویی و عشایرنشینی آن‌هاست که با ایزد مهر سازگار بوده است. از دوره مهرداد دوم تا اردوان دوم (۱۲۱ ق.م-۳۸ م)، با افزایش قدرت پارت در منطقه، نمادهای مهر بر سکه‌های یک‌درهمی به اوج خود رسید؛ ولی از زمان بلاش اول تا پایان دوره، نمادها از روی سکه‌های یک‌درهمی ضراب‌خانه اکباتان حذف شد و سرپوش شاهان در این دوره، شبیه کلاه خود عشایرنشین آسیای مرکزی گردید. در انتها، با توجه به اینکه حاکمان پارت در مسائل مذهبی، اهل تساهل و تسامح بودند، مذهبی را رسمی اعلام نکردند؛ ولی در سکه‌های یک‌درهمی، بیشتر از نمادهای مهری استفاده کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: سکه‌ها، پارت، گونه‌شناسی، ایزدان زرتشتی، ایزد مهر.

^۱ Email: Bita.sodaei@iaua.ac.ir

مقدمه

سکه‌ها از داده‌های مهم در باستان‌شناسی به شمار می‌آیند و سهم بسزایی در شناسایی فرهنگ، سیاست، هنر و مذهب جوامع باستان دارند. گاهی طرح روی سکه‌ها تنها منبعی است که اطلاعات مهمی درباره ساختار سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و مذهبی یک دوره تاریخی به پژوهشگران می‌دهد و منبعی ارزشمند در مطالعات تاریخ هنر و باستان‌شناسی به حساب می‌آید. این داده‌ها از ارزشمندترین و مهم‌ترین آثار باقیمانده از دوران تاریخی تا زمان حاضر هستند که پژوهشگران می‌توانند از دیدگاه‌های مختلف، آن‌ها را بررسی کنند.

پارت‌ها حدود ۲۴۷ ق.م در استپ‌های بین دریاچه آرال و دریای خزر، به شکل کوچ‌نشینی و عشایری زندگی می‌کردند و توانستند با رهبری ارشک اول، به سرزمین‌های شرقی ایران دست یابند و به قصد براندازی دولت سلوکی، به سمت مرکز و غرب ایران پیشروی کنند. سرانجام با بیرون‌راندن سلوکی‌ها به سوی سوریه، توانستند در زمان مهرداد دوم، شاهنشاهی پارت را تأسیس کنند. پارت‌ها به خاطر وسعت قلمروشان، تحت تأثیر فرهنگ و هنر مناطق مختلف، از جمله هلنیستی و سنت عشایرنشینی آسیای مرکزی و ایرانی قرار داشتند. یکی از ایزدان مشترک بین این اقوام، ایزد مهر یا میترا است که از اواخر قرن نوزدهم میلادی در میان پژوهش‌های باستان‌شناسی و تاریخ، جایگاه مهمی دارد. بیشتر پژوهشگران بر این باورند که میترا یا مهر، خدای کهن هند و ایرانی است که قبل از روم، پرستش آن در کشورهای شرقی رواج داشته است. در دوران ایران باستان، در خصوص رواج مهرپرستی، با کمبود مدارک هنری، از جمله نقاشی، مجسمه و نقش برجسته مواجه هستیم؛ از این رو برای

شناسایی نمادهای ایزد مهر، بهترین روش، استفاده از نقوش سکه‌هاست. پارت‌ها کمتر از نقش برجسته استفاده کرده و برای نشان‌دادن پیام‌های مذهبی و سیاسی خود، از سکه‌ها بهره گرفته‌اند؛ بنابراین بهترین روش، بررسی نقوش مسکوکات آن‌هاست. با توجه به وسعت قلمرو پارت‌ها و ضراب‌خانه‌های متعدد آنان، در این پژوهش به بررسی نقوش سکه‌های یک‌درهمی ضراب‌خانه اکباتان پرداخته شده است. این پژوهش با گونه‌شناسی و نمادشناسی نقوش نقرشده بر مسکوکات، درصدد است به شناسایی نمادهای مهر و عوامل فرهنگی و اجتماعی شکل‌گیری آن‌ها بپردازد.

سوال پژوهش عبارت است از: بر اساس متون مذهبی زرتشتی، پارت‌ها از کدام نمادهای ایزد مهر در سکه‌هایشان استفاده کرده‌اند؟ از آنجا که پارت‌ها حدود پانصد سال حکومت کردند، مسکوکات برجامانده از آن‌ها بسیار متنوع است؛ از این رو ضرورت دارد ابتدا مسکوکات این دوره را بر مبنای نقوش طبقه‌بندی کرده و سپس برای آشکارشدن نمادهای ایزد مهر بر اساس متون مذهبی زرتشتی، نقوش بر پایه نمادشناسی مطالعه شوند.

روش پژوهش

این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد نمادشناسی انجام شده است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات، بر پایه مطالعات اسنادی و موزه‌ای است. جامعه آماری در این پژوهش شامل بررسی ۲۵۰ سکه اشکانی موجود در مخزن موزه رضا عباسی است. مبنای این پژوهش، سکه‌های یک‌درهمی ضراب‌خانه اکباتان است. برای شناسایی سکه‌ها و کسب اطلاعات تکمیلی، از کاتالوگ سلوود استفاده شده است. ابتدا سکه‌ها از نظر گونه‌شناسی به پنج گروه تقسیم شدند.

سپس نمادهای هر دوره شناسایی شده و بر اساس متون مذهبی و نمادشناسی بررسی شدند.

پیشینه پژوهش

مطالعات مهرپرستی از نیمه قرن هجدهم، با پژوهش فردریش وین دیشمان آغاز شد و در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، با پیشرفت‌های باستان‌شناسی در اروپا و پیداشدن مدارک هنری از میترائیسم در اروپا و آسیای غربی، این پژوهش‌ها با نام فرانتس کومون^۱ گره خورد. کومون (۱۳۸۶) میترائیسم را یک مذهب مستقل در امپراتوری روم و قبل از مسیحیت نشان داد. او معتقد بود مهرپرستی به‌طور مستقیم از دین زرتشتی و در نتیجه فعالیت مغان در آسیای صغیر پدید آمده است. ویدن‌گرن^۲ (۱۳۷۷) در کتاب *دین‌های ایران باستان* بیان می‌کند دین مهر، یکی از ادیان مهم آریایی‌ها پیش از زرتشت بوده که زرتشت در مواجهه با آن، کاملاً موفق نبوده است؛ بدین ترتیب، گروهی بر دین خود باقی ماندند و زرتشتیان نیز بعد از چندی آن را پذیرفتند. روشن‌ضمیر (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «پرستش میترا پیش از ساسانیان»، به بررسی مهرپرستی از دوران هخامنشی تا ساسانی بر اساس نیایشگاه‌ها، مهر یشت و صحنه حمله شیر به گاو پرداخته و بیان می‌کند میترا در زمان ظهور زرتشت، احتمالاً یکی از ایزدان مهم ایرانیان بوده که جایگاه بعد از اهورامزدا را به دست آورده و در بستر زرتشتی رشد کرده است. در انتها می‌گوید میترا نه در شرق و نه در غرب ایران، در دوره‌های هخامنشی تا اشکانی، دارای دین یا فرقه‌ای اختصاصی نبوده است و بر اساس شکل‌گیری آیین میترا در روم در سده‌های سوم و

چهارم، درخشش داشته است. از سویی، اهمیت سکه‌ها به‌عنوان منابع دست‌اول برای بازشناسی مذهب پارت‌ها باعث شده پژوهشگران متعددی به بررسی این مسکوکات بپردازند. اولبریش^۳ (۱۹۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تیارا شاهان پارت»، به بررسی تیارای شاهان پارتی از زمان مهرداد دوم، سیناتروک و شاهان متأخر دوره پارت پرداخته است. وی با مقایسه آنان با هنر قبل و هم‌زمان با آن‌ها، به تأثیرپذیری آنان از هخامنشیان پرداخته و بیان می‌کند پارت‌ها برای نمایش نقوش، تحت تأثیر هخامنشیان بوده‌اند. کرتیس^۴ (۲۰۰۷a-b) در مقاله‌ای با عنوان «آیکونوگرافی مذهبی سکه‌های ایران باستان»، به بررسی نقش‌مایه‌های سرپوش شاهان اولیه پارت و نقش پرنده پرداخته و آن‌ها را با نقوش مسکوکات ساتراپی‌های هخامنشی، نقش برجسته تخت جمشید، سکه‌های شاهان پارس، نقش برجسته‌ها و مسکوکات ساسانی مقایسه کرده است. وی نتیجه گرفته است که متن‌های زرتشتی‌گرایی در مسکوکات پارتی مشاهده می‌شود. شکوری‌فر و نصرالله‌زاده (۱۳۹۵) در مقاله «پیگیری سنت‌های ایرانی در سکه‌های اشکانی»، به بررسی برخی نمادها و القاب مندرج در سکه‌ها پرداخته‌اند. در این مقاله، مانند پژوهش‌های دیگر، بیشتر بر نمادهای مهرداد اول، فرهاد سوم، اردوان اول و بلاش اول تأکید شده است و نشان می‌دهد شاهان پارتی علاوه بر سنت‌های یونانی، از سنت‌های ایرانی در مسکوکاتشان استفاده کرده‌اند. منتظری هدشی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «نقوش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر اشکانی، با تأکید بر سکه‌ها»، به بررسی نقش گیاهان در سکه‌ها

^۳. Ulbricht

^۴. John Curtis

^۱. Franz Cumont

^۲. Widengren

پرداخته‌اند. بر اساس پژوهش آنان، در این دوره، پرستش اورمزدی، آناهیتا و مهر رایج بوده است. سلوود^۱ (۱۹۸۰) در کتاب معرفی سکه‌های پارسی، به شناسایی حاکمان و شاهان این دوره بر اساس گونه‌های مسکوکات اشکانی پرداخته و آن‌ها را متأثر از دو فرهنگ هخامنشی و سلوکی دانسته است. کیانوش غلامی (۱۳۹۲) در کتاب *سکه‌های/اشکانی*، به بازنگری تاریخ این دوره بر اساس مسکوکات پرداخته است. این پژوهش با تقسیم‌بندی دوره‌ای مسکوکات، به نمادهای ایزد مهر در سکه‌های یک‌درهمی ضراب‌خانه اکباتان، بر اساس متون مذهبی زرتشتی می‌پردازد. تاکنون در خصوص نمادهای ایزد مهر در سکه‌های پارسی، پژوهش مستقلی انجام نشده است.

مبانی نظری پژوهش

هر اثر فرهنگی، حامل ارزش‌ها و پیام‌های نهادینه‌ای است که بر اساس نیازها، باورها و اعتقادات جوامع ساخته و پرداخته شده و دارای دو جنبه ادراکی و ساختاری است. جنبه ساختاری اثر، ساده، هویدا و فارغ از تعلقات فرهنگی و اجتماعی، شناسایی می‌شود؛ درحالی‌که جنبه ادراکی تحت‌تأثیر عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی و فردی ایجاد می‌شود؛ از این‌رو نمادشناسی در مطالعات باستان‌شناسی و تاریخ هنر، از اهمیت زیادی برخوردار است. نماد عبارت است از موضوع، نام یا حتی تصویری که احتمال دارد نمودار و نماینده چیزی لمس‌پذیر طی زندگی روزانه ما بوده و علاوه بر معنای معقول و آشکار خود، معنی ویژه و تلویحی نیز باید داشته باشد. تاریخ نمادگرایی نشان می‌دهد هر چیزی می‌تواند

معنای نمادین پیدا کند. درحقیقت، تمام جهان یک نماد بالقوه است (یونگ^۲، ۱۳۹۳: ۳۵۲).

اسطوره‌ها بنا بر سرشت و ویژگی‌های مشترکشان با نمادها پیوند ذاتی دارند؛ زیرا همان‌گونه که نماد بر معنایی جز معنای ظاهری دلالت می‌کند، اسطوره‌ها نیز دارای مفاهیمی خارج از حوزه درک مستقیم هستند و برای ارائه آن‌ها استفاده از نمادها ضروری است (کفشچیان مقدم، ۱۳۹۰: ۶۶). اسطوره خارج از واقعیت، به شکلی تمثیلی و نمادین پدید می‌آید؛ اما ریشه در واقعیت دارد و مأخوذ از جهان عینی است (اسماعیل‌پور، ۱۳۷۹: ۶۱). بسیاری از نمادها در بین اقوام و قبایل مختلف، گویای مفاهیمی مشترک هستند؛ بنابراین، نمادگرایی به‌عنوان یکی از ابزارهای بیان تصویری و انتقال مفاهیم در هنر، دارای جایگاه ویژه‌ای است و در تاریخ ادیان، از اهمیت خاصی برخوردار است (زمردی، ۱۳۸۷: ۱۵). الیاده^۳ نماد را ابزاری ارتباطی بین انسان با موجودات متعالی برمی‌شمارد و بهترین راه درک نمادپردازی دینی را پژوهش در ادیان و مذاهب با نگاه قوم‌شناسی می‌داند (الیاده، ۱۳۷۹: ۴۱۷ و ۴۱۸). بر این اساس، بین اسطوره‌ها، نماد و تصویر، ارتباط مستقیم وجود دارد.

یکی از ایزدان اساطیری و مهم ایران باستان، ایزد مهر است. در فارسی، واژه مهر شکل متأخر میترا به معنای خورشید است و قدمت آن به هزار. دوم ق.م می‌رسد. در *اوستای گاهانی* که سروده زرتشت است، از مهر یا میثره نامی به میان نیامده، اما در *اوستای متأخر*، از مهر نام برده شده و به اندازه اورمزد ستودنی است. کومون معتقد است بهترین ارتباط خورشید و میترا انوار خورشید است و مهر، ایزد نور است. بدین ترتیب، مهر خود خورشید نیست، بلکه نور و روشنایی است که

^۱. Carl Gustav Jung

^۲. Mircea Eliade

^۱. Sellwood

تاریکی و دیوها را از بین می‌برد و شادمانی را به زمین هدیه می‌کند (کومون، ۱۳۸۳: ۲۵). در *اوستا* میثره به معنی پیمان، در سانسکریت میترا به معنی پیمان و دوست و در فارسی نو مهر به معنی خورشید، دوستی، محبت و عشق است (کوپر^۱، ۱۳۹۱: ۱۵۸). در سرودهای مهریشت، به زیبایی مهر توصیف شده است. او پیش از ظهور خورشید ظاهر می‌شود و همراهی‌اش با خورشید باعث شده مهر معنی خورشید بیابد (آموزگار، ۱۳۷۸: ۲۰).

بر اساس باور ایرانیان باستان، سه روایت درباره زایش مهر وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱. در دل سیاه شب، مهر در یک غار گود، از میان کوه‌های البرز از دل سنگی به دنیا می‌آید و هنگام تولد، کلاه فریجی بر سر و شمشیر و تیر و کمان در دست دارد. ۲. آناهیتا، الهه باروری، مهر را درون غاری به دنیا می‌آورد و او را بعد از زایش بر برگ گل نیلوفر قرار می‌دهد. ۳. مهر از درون گل نیلوفر روی برکه آبی که متعلق به آناهیتاست، به دنیا می‌آید (بهار، ۱۳۷۵: ۱۱۷)؛ از این‌رو، مهر با خورشید و آناهیتا ارتباط دارد.

شایان ذکر است تاکنون هیچ نقش برجسته، نقاشی یا مجسمه‌ای با مضمون تولد مهر در ایران به دست نیامده و تنها در دوره ساسانی، در نقش برجسته اردشیر در طاق‌بستان، تصویر ایزد مهر بعد از اهورامزدا مشاهده می‌شود، در حالی که روی گل نیلوفر ایستاده و برسمی در دست دارد و تاجی از شعاع‌های نور بر سر گذاشته است. از آنجایی که سکه‌شناسی به عنوان منبع دست‌اول، به یاری پژوهشگران می‌آید، در این پژوهش از سکه‌های یک‌درهمی ضرب‌خانه اکباتان بهره گرفته شده است.

بحث

با توجه به تنوع نقوش سکه‌های پارتی، ابتدا به گونه‌شناسی مسکوکات و سپس به نقوش و معانی آن‌ها بر اساس متون مذهبی زرتشتی پرداخته می‌شود. بر اساس متون تاریخی، می‌توان حکومت پارت‌ها را به سه دوره تقسیم کرد: پارت نخست (۵۰-۲۴۷ ق.م)، پارت میانه (۵۰ ق.م-۱۰۵ م) و پارت متأخر (۲۲۴-۱۰۵ م). با توجه به تنوع نقوش، سکه‌ها بر اساس سرپوش شاهان، به پنج گروه تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: گروه اول، شامل سکه‌های ابتدای سلطنت ارشک اول تا سلطنت مهرداد اول (۲۴۷-۱۶۴ ق.م)، گروه دوم شامل سکه‌های ابتدای سلطنت مهرداد اول تا پایان سلطنت اردوان اول (۱۶۴-۱۲۲ ق.م)، گروه سوم شامل سکه‌های سلطنت مهرداد دوم تا ارد دوم (۵۰-۱۲۱ ق.م)، گروه چهارم شامل سکه‌های ارد دوم تا بلاش سوم (۵۰ ق.م-۱۰۵ م) و گروه پنجم شامل سکه‌های بلاش سوم تا اردوان پنجم (۲۲۴-۱۰۵ م).

گروه اول، سکه‌های پارتی (۱۶۴-۲۴۷ ق.م)

این دوره با سلطنت ارشک اول آغاز می‌شود و تا آغاز سلطنت مهرداد اول (۲۴۷-۱۶۴ ق.م) ادامه می‌یابد. می‌توانیم این دوره را شروع حکومت پارت معرفی کنیم. حاکمان این دوره عبارت‌اند از: ارشک اول، ارشک دوم، فری آپاتیوس، ارشک چهارم و فرهاد اول. شایان ذکر است در این دوره، فقط ارشک اول و ارشک دوم سکه ضرب کرده‌اند و سکه‌های متعلق به آن‌ها بسیار نایاب است. از دیگر شاهان، سکه‌ای به دست نیامده است. با بررسی کاتالوگ سلوود نیز از شاهان بعد از ارشک دوم، سکه‌ای معرفی نشده است (جدول ۱). ضرب‌خانه‌های این دوره عبارت‌اند از: نسا،

^۱. Cooper

مهردادکرت، هکاتیوم پلیس و ری. در این دوره، سکه‌ای از ضراب‌خانه اکباتان بدست نیامده است.

جدول ۱- گونه اول سکه‌های پارت، موزه رضا عباسی (۲۴۷-۱۶۴ ق.م) (منبع: نگارنده)

نام حاکم	سکه	نقوش
ارشک اول (۲۱۱-۲۴۷ ق.م)		کلاه‌خود کمان‌دار و کمان
ارشک دوم (۱۸۵-۲۱۱ ق.م)		کلاه‌خود، کمان‌دار و کمان

نقوش نمادین گونه اول

نقوش نمادین این گروه شامل سرپوش و کمان و کمان‌دار است. سرپوش شاهان این دوره شامل سرپوش قائم همراه با دیهیمی است که دور آن ترسیم شده است. بنا بر نظر سلوود، این سرپوش باشلق است و با سرپوش شاهان هخامنشی یکسان است (۱۰: ۱۹۸۰، Sellwood). ولسکی، کرتیس و اولبریش نیز آن را باشلق می‌دانند، بر ریشه هخامنشی آن تأکید دارند و آن را با سرپوش‌های شاهان پارس مقایسه کرده‌اند. اولبریش آن را نخستین تلاش برای پیوند با هخامنشیان می‌داند (Wolski, ۱۹۹۳:۶۹; Curtis, ۲۰۰۷: ۴۱۶-۴۱۹; Olbrycht, ۱۹۹۷:۲۹)، شکوری فر و نصرالله‌زاده نیز با توجه به پوشش اسکندر، این سرپوش را انتخاب آگاهانه از الگوی هخامنشی می‌دانند (شکوری فر و نصرالله‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۱)؛ ولی افکنده و افشاری با بررسی سرپوش حاکمان فرترکه‌های پارس و سکه‌های این دوره، تفاوت را در سفتی بالای سرپوش شاهان اشکانی دانسته و این سرپوش را کلاه‌خود می‌نامند و با مقایسه سرپوش ارشک اول با سرپوش سکا‌های پلکان شرقی آپادانا و سرپوش یکی از حاملان تخت در دروازه جنوبی تالار صد ستون، آن را سرپوش کوچ‌نشینان

سکایی معرفی می‌کنند (افکنده و افشاری، ۱۳۹۸: ۲۷).



تصویر ۱- مقایسه سرپوش نماینده سکاها و نماینده سکودریان در پلکان شرقی آپادانا، تخت جمشید با کلاه‌خود ارشک اول (افکنده و افشاری، ۱۳۹۸: ۲۷)

اگر سرپوش گروه اول را کلاه‌خود بدانیم، از دیدگاه نمادشناسی، نشانه جنگجو و قهرمان و نماد اندیشه و خرد است که نماد ایزدان آتنا و میترا (مهر) به شمار می‌آید (کوپر، ۱۳۹۱: ۳۱۳).

کمان و کمان‌دار: پشت سکه‌های پارسی، کمان‌دار مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده ارشک اول است و این نقش همراه با لقب ارشک به سبب بزرگداشت نام و خاطره وی تا پایان دوره بر پشت مسکوکات

یک‌درهمی باقی مانده است (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۰: ۳۲). کمان از نظر نمادین، مادینه و نرینه است. نرینه آن به معنی شجاعت و رهاکننده تیر است و مادینه آن با توجه به شباهت آن با هلال ماه در فرهنگ سومری و سامی، سلاح ایزدبانوی ایشتار/ اینانا، نماد جنگ است. در فرهنگ یونانی و رومی، کمان نماد ایزدبانوی آرتیمیس و دیانا و تیر و کمان، نماد آپولو است (کوپر، ۱۳۹۱: ۳۱۵).

حال برای تأثیرپذیری کمان‌دار پارتی، به پیشینه آن در بین هخامنشیان، سلوکیان، سکاها و متون مذهبی پرداخته می‌شود. شاهان هخامنشی از همان ابتدا از نماد کمان در مسکوکاتشان استفاده کرده‌اند که در میانه تا انتهای حکومتشان کمان همراه با نیزه و گاهی خنجر به کار رفته است. این موضوع نشان می‌دهد شاهان هخامنشی از کمان برای تبلیغات و نمایش قدرت نظامی برای پیشبرد اهدافشان بهره برده‌اند (Root ۱۹۷۹, pp. ۱۱۶-۱۱۸). کمان در دوره هخامنشی، تحت تأثیر فرهنگ بین‌النهرین وارد هنر ایران شده است که نماد شمش ایزد خورشید بوده و احتمالاً با وارد شدن به فرهنگ هخامنشی، به عنوان مهر یا میترا در نظر گرفته شده است (Shaked, ۱۹۸۰: ۱۴). به نظر کومون، این همانندی ناشی از آن است که شمش خدای خورشید و خدای عدالت بوده و در باورهای هخامنشیان وجود داشته است (کومون، ۱۳۸۶: ۱۰). بویس با بررسی در کتیبه‌های هخامنشی در زمان اردشیر دوم و سوم بیان می‌کند که همراه با اهورامزدا و آناهیتا از میترا نام برده شده که در جایگاه سوم قرار دارد. بویس معتقد است وجود نام میترا در متون یا تصاویری که نشان از میترا در دوره هخامنشی دارد، مدرکی بر دینی مستقل به نام مهرپرستی در این دوره نیست (Boyce, ۱۹۶۹: ۱۶).

با بررسی سکه‌های سلوکی از زمان انتیوخوس اول (۲۸۰-۲۶۱ ق.م) تا سلوکوس چهارم (۱۷۵-۱۸۷ ق.م)، تصویر آپولو همراه با تیر و کمان نشسته بر اومفالوس، از تصاویر متداول بر پشت سکه‌های سلوکی است. قبل از آن، شاهان سلوکی از نمادهای هرکول، نیکه و آتنا بر پشت مسکوکات استفاده می‌کردند. ژوستین، تولد سلوکوس را به آپولو نسبت می‌دهد و چنین روایت می‌کند که لائودیسه، مادر سلوکوس، آپولو را در رؤیا می‌بیند که به او نوید تولد نوزادی را می‌دهد (Justinus, ۲۰۱۱: ۱۵). طبق این روایت، آپولو نیای اساطیری سلوکیان به شمار می‌رود که نماد آن تیر و کمان است (Welles, ۱۹۳۴: ۳۶). اریکسون معتقد است احتمالاً درباریان سلوکی نیز از این دوره برای رسیدن به مقاصد سیاسی و فرهنگی در مناطق تحت سیطره خود از آپولو با کمان و تیر بهره برده‌اند (Erickson, ۲۰۰۹: ۳۸). در بین سکاها نیز کمان، نمادی از قدرت خداوند است (فرای، ۱۳۸۰: ۳۴۲). برخی از پژوهشگران نیز واژه سکا را نشئت گرفته از زبان ایران باستان، به معنای کمان می‌دانند که مشخصه این قوم، مهارت در کمان‌داری بوده است (Farrokh, ۲۰۰۷: ۲۳). کرتیس استفاده از کمان توسط حاکمان پارت را تقلید آگاهانه‌ای از سنت‌های هخامنشی می‌داند (کرتیس، ۱۳۹۰: ۲۷).

حال برای درک بهتر، به نماد کمان در متون مذهبی می‌پردازیم. کمان در *اوستا* ثنور یا ثنون و تیر (ایشو) آمده است (پور داوود، ۱۳۴۶: ۲۹-۳۲). در هرمزیشت، بیشتر از کمان یاد شده است (هرمزیشت، بند ۱۸). در مهریشت، تیر همراه با سلاح‌های دیگری مانند کارد، گرز و فلاخن آمده و بیان شده است هرکس نام‌های خدا را بخواند، این سازوبرگ بر او کارساز نباشد (مهریشت، بند ۳۹). همچنین از تیر در مهریشت در

بندهای ۲۴، ۳۹، ۱۰۱ و ۱۰۲، فرگرد بندهای ۴، ۹، ۱۷، ۲۹ و ۴۶ و وندیداد نام برده شده است (پورداوود، ۱۳۴۶: ۳۰). در مهریشت، بند ۱۲۸ آمده است در گردونه مهر، هزار کمان خوب ساخته شده که زه آن از زه گوزن است (پورداوود، ۱۳۷۷). بنابراین می‌توان کمان را نمادی از مهر دانست و با توجه به جنگجویی پارت‌ها کمان‌دار کمان در دست در پشت سکه‌های پارسی، نشان‌دهنده هویت ملی و قومی و احتمالاً مذهبی آنان است که آن را تا انتها بدون هیچ تغییری در سکه‌های یک‌درهمی حفظ کرده‌اند.

گونه دوم سکه‌های پارسی (۱۲۲-۱۶۴ ق.م)

گونه دوم شامل سکه‌های مهرداد اول تا اردوان اول (۱۶۴-۱۲۲ ق.م) است (جدول ۲). در این دوره، با گسترش حکومت پارت‌ها مواجه هستیم، به گونه‌ای که از زمان مهرداد اول، سیطره حکومتی آن‌ها تا بین‌النهرین کشیده می‌شود. مشخصات مسکوکات این دوره عبارت است از: روی سکه در ابتدای به حکومت رسیدن مهرداد اول، چهره و سرپوش شاه مانند دوره اول است؛ ولی به تدریج با قدرتمند شدن مهرداد اول و گسترش متصرفاتش تغییرات اساسی در روی سکه‌های پارت به وجود می‌آید. روی سکه، تصویر نیم‌رخ شاه پارسی با ریش و سبیل و سرپندی بر سر و در پشت سکه، کمان‌دار نشسته بر اومفالوس همراه با القاب، ارشک، شاه بزرگ مشاهده می‌شود (جدول ۲). از این دوره نیز دو شاه شناسایی شده‌اند که شامل مهرداد اول و فرهاد دوم است. بعد از مرگ فرهاد دوم (۱۲۷ ق.م) تا زمان به سلطنت رسیدن مهرداد دوم (۱۲۱ ق.م) تاریخ پارت وارد یک وقفه یا دوران تاریک می‌شود که به دوران فترت اول معروف است. امروزه محققان و پژوهشگرانی مانند سلوود و آثار، با بررسی یادداشت‌های بابلی و مدارک سکه‌شناسی، دو شاه را

بعد از مرگ فرهاد دوم و به حکومت رسیدن مهرداد دوم معرفی کرده‌اند. در ابتدا شاهزاده مسنی که در سال ۱۲۷ ق.م جانشین فرهاد دوم شد، باگاسیس نام دارد. مسکوکات این حاکم بسیار نایاب است که نشان می‌دهد او برای مدت کوتاهی در شوش حکومت کرده است (Assar, ۲۰۰۵: ۱۸-۲۲). حاکم بعدی، طبق مکتوبات تاریخی و مدارک سکه‌شناسی، اردوان اول نام دارد (Assar, ۲۰۰۳: ۱۸-۱۹; Sellwood, ۱۹۸۰: ۵۷-۶۱). (۱۹).

نقوش نمادین گونه دوم (۱۲۲-۱۶۴ ق.م)

در سکه‌های این دوره، شاهد چرخش سر شاه به سمت چپ هستیم و چهره شاه با ریش و سبیل است و سرپوش تبدیل به سرپند شده است. با مقایسه این سرپند با سرپوش پارتیان تخت‌جمشید، شباهت بسیاری در چهره و سرپوش آنان دیده می‌شود (تصویر ۲) که نشان‌دهنده پدیدار شدن گرایش‌های قومی است.



تصویر ۲- نماینده پارت‌ها در پلکان شرقی آپادانا، تخت‌جمشید
(Schmidt, ۱۹۷۰: ۱۰۲)

پشت سکه‌ها کمان‌دار نشسته بر اومفالوس مشاهده می‌شود. اومفالوس یک نماد مذهبی یونانی است و بر اساس اساطیر یونانی، سنگی است که مرکز جهان را نشان می‌دهد و محلی است که ایزد یونانی، آپولو، اژدهای دلفی را از بین برد و معبد خود را در آنجا بنا کرد (Graves, ۱۹۷۳: p. ۶-۷).

جدول ۲- گونه دوم مسکوکات پارت (۱۶۴-۱۲۲ ق.م)، موزه رضا عباسی (منبع: نگارنده)

نام حاکم	تصویر سکه	نقوش
مهرداد اول (۱۳۲-۱۶۴ ق.م)		کلاه خود، اومفالوس، سربند، سبیل و ریش، کمان‌دار-کمان
فرهاد دوم (۱۲۷-۱۳۲ ق.م)	 نمونه ۱۶,۴ سلوود Sellwood, 1980	سربند، اومفالوس، کمان‌دار- کمان
اردوان اول (۱۲۶-۱۲۷ ق.م)	 نمونه ۲۰,۱ سلوود Sellwood, 1980	سربند، اومفالوس، کمان‌دار- کمان

ولی روی سکه‌ها نمادهای مربوط به مهر مشاهده نمی‌شود.

گونه سوم مسکوکات پارتی (۵۰-۱۲۱ ق.م)

سکه‌های گونه سوم از سلطنت مهرداد دوم، در سال ۱۲۱ ق.م آغاز می‌شود و تا پایان سلطنت ارد دوم (۵۰ ق.م) ادامه می‌یابد. در این دوره، با تدابیر سیاسی مهرداد دوم، شاهد گسترش سیطره حکومتی پارت‌ها هستیم. او توانست دولت پارت را به یک شاهنشاهی تبدیل کند. وی از لقب شاه شاهان در پشت مسکوکاتش استفاده کرده است. مقارن با اواخر حکومتش، روی مسکوکات، سرپوش شاه تغییر می‌کند و به صورت کلاه تزیینی بلند (تیارا) که در مرکزش با یک رزت شش یا هشت‌پر تزیین شده، مشاهده

آپولو نشسته بر آن، نماد تسلط آپولو بر مرکز جهان و قدرت پیشگویی اوست (Alan & Wace, ۱۹۰۲). در این دوره، از زمان مهرداد اول (۲۴۷-۲۱۱: ۱۹۰۳). در ۱۳۸-۱۷۱ ق.م، فرهاد دوم (۱۳۸-۱۲ ق.م)، باگاسیس (۱۲۷-۱۲۶ ق.م)، اردوان اول (۱۲۴-۱۲۷ ق.م) و مهرداد دوم (۸۸-۱۲۳ ق.م) کمان‌دار نشسته بر اومفالوس در پشت سکه‌ها مشاهده می‌شود (جدول ۲) (Sellwood, ۱۹۸۰). از آنجایی که در این دوره، حاکمان پارت توانستند پیروزی‌های بسیاری در مقابل سلوکی‌ها به دست بیاورند، احتمالاً نقش کمان‌دار نشسته بر نماد یونانی، نشان از پیروزی بر آنان است (برومند، ۱۳۹۳: ۱۰). این گروه نیز مانند گروه اول، در پشت سکه‌های یک‌درهمی، از کمان استفاده کرده‌اند؛

می‌شود (Sellwood, ۱۹۸۰). بعد از مرگ مهرداد دوم تا زمان ارد دوم، منابع مکتوب تاریخی، مانند ژوستین حدود ۳۵ سال از تاریخ را حذف کرده‌اند. این دوره، دومین دوران تاریک پارت‌ها محسوب می‌شود. اسناد خط میخی و مسکوکات بیانگر نزاع‌های داخل سلطنت در این دوران است. تحرکات و زدوخوردهای داخلی به تدریج منجر به فروپاشی قدرت مرکزی پارت‌ها می‌شود. بدین ترتیب، پس از مرگ مهرداد دوم، اوضاع کشور بسیار آشفته شد و در هر سو یک مدعی حکومت قد برافراشت (Assar, ۲۰۰۵: ۲۱). محققانی مانند سلوود و آثار، با مطالعه مسکوکات توانسته‌اند انتساب

مسکوکات پارتی را که طی این ۳۵ سال ضرب شده، مشخص کنند. شایان ذکر است اختلاف‌نظرهایی در این زمینه وجود دارد. بنابراین امکان دارد آن‌چه این پژوهشگران مطرح کرده‌اند، بعدها اصلاحاتی در آن به وجود آورند. از دوران تاریک، چهارده نمونه سکه به دست آمده که شامل سکه‌های ۲۹ تا ۴۹ سلوود است. شاهانی که در این مدت به حکومت رسیده‌اند، عبارت‌اند از: سیناتروک، گودرز اول، ارد اول، داریوش، مهرداد سوم، ارد اول، ارشک شانزدهم، فرهاد سوم، مهرداد چهارم و ارد دوم. برخی از این شاهان، دارای حکومت هم‌زمان بوده‌اند. با مطالعه مسکوکات و خوانش ضرب‌خانه‌های آن‌ها می‌توان حیطة حکومتشان را مشخص کرد (Assar, ۲۰۰۵: ۴-۵۳; Sellwood, ۱۹۸۰-۸۱: ۱۵۴). روی سکه این دوره، تصویر نیم‌رخ شاه با سرپوش تیارا مشاهده می‌شود که در تزئینات وسط یا اطراف تیارا با یکدیگر تفاوت دارند. در برخی از نمادهای گیاهی، مانند رزت و زنبق استفاده کرده‌اند و در برخی، نقش‌مایه شاخ مشاهده می‌شود. پشت مسکوکات، کمان‌دار نشسته بر اورنگ دیده می‌شود همراه با علائم ضرب‌خانه و مونوگرام و همچنین القاب که به خط یونانی نوشته شده است.

هرکدام از شاهان، از القاب متفاوتی استفاده کرده‌اند (جدول ۳).

مهم‌ترین رویداد این دوره، از زمان مهرداد دوم، تغییر در سرپوش شاه است که سرپوش تبدیل به تیارا می‌شود. تیارا ایدئولوژی سیاسی و مذهبی شاه را نشان می‌دهد (Olbrycht, ۱۹۹۷: ۴۰).

نمادهای گونه سوم مسکوکات پارت

مهم‌ترین نقش‌مایه‌های تزئینی تیارا عبارت‌اند از: رزت، زنبق، شاخ گاو و گوزن، ماه و ستاره.

نیلوفر: نماد اصلی روی تیارا مهرداد دوم، یک گل نیلوفر شش یا هشت‌پر است که اولبریشث آن را نماد ایزد مهر می‌داند و بیان می‌کند این نماد برای تأکید قدرت شاه و موقعیت منحصربه‌فرد او بوده است (Olbrycht, ۱۹۹۷: ۴۵). نیلوفر نمادی از خورشید است (کوپر، ۱۳۹۱: ۳۹۱) و آن را نمادی از کامیابی، قدرت، باروری، صلح جهانی، عشق، ریاضت و عبادت می‌دانند که با آیین مهر نیز ارتباط دارد (حیدر نتاج و مقصودی، ۱۳۹۸: ۳۸). بنا بر اسطوره‌های ایرانی، مادر مهر در دریاچه هامون شنا می‌کند و در حین شنا، نطفه مقدس مهر در رحم او قرار می‌گیرد و مهر مانند نیلوفری بر سطح آب متولد می‌شود (بلخاری، ۱۳۸۴: ۳۲). بندهشن، نیلوفر را گل مخصوص آناهیتا معرفی می‌کند و از آنجا که این گل با آب در ارتباط است، نماد ایزدبانوی آناهیتا نیز به شمار می‌آید. در اسطوره‌های ایرانی، نیلوفر نماد آناهیتا و میتراست (بندهشن، بخش ۹، بند ۱۱۹). نقش نیلوفر در تیارا مهرداد دوم، ارد اول (۸۰-۷۵ ق.م)، فرهاد سوم (۸۷-۸۰ ق.م)، مهرداد سوم (۸۷-۵۰ ق.م)، ارد دوم (۵۵-۳۸ ق.م)، فرهاد چهارم (۳۸-۲ ق.م)، ونون دوم (۵۱ م) و پارتاماسپ (۱۱۶ م) مشاهده شده است (منتظری همدانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۵).

جدول ۳- گونه سوم سکه‌های پارت (۵۰-۱۲۱ ق.م)، موزه رضا عباسی (منبع: نگارنده)

نقوش	مسکوکات	نام حاکم
تیارا با نقش رزت، کمان‌دار و کمان		مهرداد دوم (۹۱-۱۲۱ ق.م)
تیارا با نقش شاخ گاو کمان‌دار و کمان		سیناتروک (۹۸، ۹۲، ۹۳ و ۹۶ ق.م)
تیارا با نقش شاخ گوزن، کمان‌دار و کمان		گودرزاول (۸۷-۹۱ ق.م)
رزت شش پر کمان‌دار و کمان		مهرداد سوم (۵۰-۸۷ ق.م)
تیارا با نقش رزت شش پر، کمان‌دار و کمان		ارد اول (۷۵-۸۰ ق.م)
کمان‌دار و کمان		ارشک شانزدهم (۶۶/۷۸- ۶۶/۷۷ ق.م)
تیارا با نقش شاخ گاو کمان‌دار و کمان	 نمونه سلوود ۳۷،۱ Sellwood, 1980	فرهاد سوم (۰-۸۷ ق.م)
تیارا با شاخ گاو کمان‌دار و کمان	 PDC 6352	داریوش (۷۰ ق.م)
ستاره، ماه کمان‌دار و کمان	 نمونه یک‌درهمی ۴۱/۴۰ سلوود Sellwood, 1980	مهرداد چهارم (۵۵-۵۸ ق.م)

زنبق: نقش زنبق روی تیارا ارد اول (۷۵-۸۰ ق.م) و سیناتروک (۶۹-۹۲ ق.م) مشاهده می‌شود. گل زنبق یا گیاه سه‌شاخه دارای مفاهیمی نمادین در ارتباط با ایزد مهر است. زنبق، گل نور و زندگی و نماد سلطنت است که به‌عنوان تثلیث نرینه با دایرهٔ مادینه ترکیب شده است. به‌دلیل شباهتی که به سرنیزه دارد، مظهر نیروی مذکر و نظامی است. در فرهنگ اساطیری ایران، از دوران‌های پیش از تاریخ، گیاهان سه‌شاخه یا سه‌گل، نماد رمزی مواضع سه‌گانهٔ خورشید در آسمان بوده‌اند که پس از طلوع بامدادی از خاوران، هنگام ظهر در میانهٔ آسمان به اوج نیمروزی می‌رسد و سپس در باختر غروب می‌کند. گل زنبق به احتمال زیاد، میراث آیین مهر است که برای طلوع و غروب و اوج نیمروزی خورشید اهمیت خاص قائل بوده است (پرهام، ۱۳۷۸: ۴۵-۴۶).

شاخ گاو: گاو وابسته به خورشید است و نماد مهر، گاو (۱۴۱: ۱۸۸۳، Damesteter). از نظر نمادشناسی، شاخ دارای قدرت الوهی است و بر سرپوش و کلاه‌خود، باعث افزونی قدرت می‌شود و نشان‌دهندهٔ تجلی روح، سلطنت و پیروزی است که به خورشید وابسته است (کوپر، ۱۳۹۱: ۲۳۰). برخی از قبایل آسیای مرکزی، به‌ویژه سکاها، شاخ گاو دارای تقدس است و خدای خورشید را با شاخ گاو نشان می‌دهند (Olbrycht, ۴۷: ۱۹۹۷). تیارا سیناتروک با شاخ گاو تزیین شده است. سیناتروک بعد از مرگ مهرداد دوم، از آشفتگی به‌وجودآمده استفاده کرد و با کمک عشایر آسیای مرکزی در هشتادسالگی به حکومت رسید (سلوود، ۱۳۸۰: ۳۸۹) و برای حفظ تاج‌وتخت از حمایت سکاها برخوردار بود (Assar, ۲۰۰۵: ۴). بدین ترتیب، بعد از به حکومت رسیدن سیناتروک، تیارای او با نقش شاخ گاو تزیین می‌شود که تحت‌تأثیر هنر مردمان

صحرائشین آسیای مرکزی، از این نقش‌مایه استفاده کرده است (ibid). اولبریشت این نماد را به خدای مهر نسبت می‌دهد و می‌گوید مهرپرستی در بین عشایر آسیای مرکزی بسیار رایج بوده است (Olbrycht, ۴۶: ۱۹۹۷).

شاخ گوزن: شاخ گوزن نماد قدرت ماوراءالطبیعه و الوهی است (کوپر، ۱۳۹۱: ۲۳۴) که با خورشید در ارتباط است. گوزن هر سال شاخ‌های خود را از دست می‌دهد. این شبیه چرخهٔ گیاهی در طبیعت است و از نمادهای مذهبی قبایل کوچ‌نشین آسیای مرکزی به شمار می‌آید که با خورشید مرتبط است (Olerycht, ۴۶-۴۷: ۱۹۹۷). تیارای گودرز اول با شاخ گوزن تزیین شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در این گروه، ارشک شانزدهم، مهرداد سوم و مهرداد چهارم از تیارا استفاده نکرده‌اند و سرپوش آنان دیهیم است که این سرپوش از این دوره به پارت میانه منتقل می‌شود. همچنین نماد ماه و ستاره در یک‌درهمی‌های مهرداد چهارم مشاهده می‌شود که به دورهٔ بعد منتقل شده است. در این دوره، بیشترین تلاش برای نشان‌دادن نمادهای مذهبی مهر و سنت‌های کهن شرقی صورت گرفته است. با توجه به نمادهای استفاده‌شده در این دوره، می‌توان گفت آیین مهرپرستی در بین حاکمان این دوره رایج بوده و احترام ویژه‌ای داشته است.

گروه چهارم مسکوکات پارت (۵۰ ق.م - ۱۰۵ م)

گروه چهارم شامل سکه‌های پارت میانه می‌شود که از نظر زمانی، بین ۵۰ ق.م (ارد دوم) تا ۱۰۵ م (بلاش سوم) را در بر می‌گیرد. بررسی سکه‌های این دوره نشان‌دهندهٔ تغییرات در رو و پشت آن‌هاست. روی سکه‌ها سرپوش شاه تغییر کرده و از تیارا تبدیل به دیهیم دنباله‌دار شده است و پشت و جلوی تصویر شاه، نمادهای ستاره، نیکه با حلقه و پرند مشاهده می‌شود.

جدول ۴- گونه چهارم سکه‌های پارت (۵۰ق.م-۱۰۵م)، موزه رضا عباسی (منبع: نگارنده)

نقوش	مسکوکات	نام حاکم
سرینده، ماه و ستاره، کمان‌دار و کمان		ارد دوم ۵۷-۳۷ق.م
نیکه همراه با حلقه ماه در پشت کمان‌دار		پاکر اول ۳۹ق.م
نیلوفر، ماه و ستاره، پرنده کمان‌دار و کمان		فرهاد چهارم ۲-۳۸ق.م
نیکه با حلقه سلطنت، پرنده و حلقه سلطنت		فرهاد پنجم (فرهادک) ۴ق.م-۴م
پرنده کمان‌دار و کمان		ارد سوم ۶م
کمان‌دار و کمان		اردوان دوم ۱۰-۳۸م
نوآوری: حذف کمان‌دار در پشت مسکوکات و استفاده از نقش نیکه، نخل		نون اول ۱۲م
کمان‌دار و کمان		واردانس اول ۴۰-۴۵م
کمان‌دار و کمان		گودرز دوم دوم ۴۰-۵۱م
ستاره، کمان‌دار و کمان		نون دوم ۵۱م
کمان‌دار و کمان		بلاش اول ۵۱-۷۸م
کمان‌دار و کمان		پاکر دوم ۷۸-۱۰۵م

نقوش نمادین گونه چهارم مسکوکات پارسی

ستاره: ستاره نماد خدای شمش و وابسته به خورشید است (کوپر، ۱۳۹۱: ۲۰۲). این نقش مایه به صورت تکی یا همراه با ماه، از زمان مهرداد چهارم روی سکه‌های پارسی مشاهده شده و وارد پارت میانه می‌شود و در یک‌درهمی‌های ارد دوم، فرهاد چهارم و فرهادک مشاهده می‌گردد. در یشت هشتم آمده است که تیشتر ستاره‌ای سپید، درخشان و پرنور است که سرشت آب دارد. سرور همه ستاره‌ها و در ستایش و نیایش، هم‌تراز اهورامزدا آفریده شده است (پورداد، ۱۳۷۷: ۳۱۹). در بند دوازدهم، از ستارگانی که با تیشتر همکاری می‌کنند نام برده است و در بند ششم، هفتم، سی‌وهفت و سی‌وهشت، اشاره به تیراندازی آرش شده که قدیمی‌ترین منبعی است که از این قهرمان نام برده شده و نشان از ارتباط ستاره تیشتر با تیر آرش کمانگیر دارد (همان: ۳۲۹؛ رضی، ۱۳۷۴: ۲۲۶). از آنجایی که ستاره وابسته به خورشید است، با مهر ارتباط دارد.

ماه: مظهر قدرت مادینه و ملکه آسمان است و با خورشید، مظهر قدرت نرینه، ارتباط دارد. ماه نمادی از مهر به شمار می‌آید (کوپر، ۱۳۹۱: ۳۵۹). در آیین زرتشتی در زمرة ایزدان قرار دارد که در *اوستا* ستایش شده است. در بندهشن، خورشید و ماه سردار اختران‌اند. خورشید روشنایی‌بخش، پاک‌کننده و دورکننده دیوان و ماه به وجودآورنده حیوانات و گیاهان است (بهار، ۱۳۹۰). ماه و ستاره در *اوستا* باهم آمده است (پورداد، ۱۳۷۷: ۳۱۷). بدین ترتیب، ماه و ستاره در زمرة نقش‌مایه‌های مذهبی به شمار می‌آیند و نمادی از ادیان کهن ایرانی و احتمالاً نمادی از ایزد مهر هستند.

پرنده: از این دوره، برای اولین بار نقش پرنده روی سکه‌های یک‌درهمی ارد دوم و فرهاد چهارم مشاهده می‌شود که حلقه پادشاهی را به منقار گرفته و به سوی شاه می‌برد یا در برخی از سکه‌ها نقش پرنده، جزئی از آرایه‌های گردن‌بند شاه بوده که نماد و نشانه پیروزی است (پرادا و دایسون، ۱۳۹۱: ۳۱۵). در بهرام‌یشت، در بندهای یک تا بیست‌وهشت، درباره تجسم این ایزد به زرتشت بیان شده که شامل باد، گاو نر، اسب، شتر، پسر جوان، پرنده، قوچ، گوزن و مرد است (بهرام‌یشت، بند ۱-۲۸). در بندهای سی‌وچهار تا چهل‌وشش به توصیف پر جادویی پرداخته است که در جنگ‌ها باعث شکست‌ناپذیری می‌شود (همان، بند ۳۴-۴۶). در *اوستا* ورثرغنه از ایزدان بزرگ و جنگجوی دین زرتشتی است که هویت آن به سنت‌های کهن هند و ایرانی برمی‌گردد (Thieme, ۱۹۶۰: ۳۱۲-۳۱۴). پرستش ورثرغنه توسط زرتشتیان، در یشت چهاردهم در بندهای بیست‌وهشت تا سی‌ودو بیان شده است.

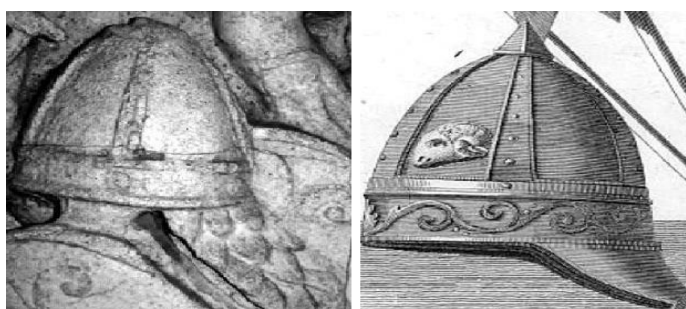
کرتیس با مقایسه پرنده در مسکوکات فرهاد دوم و شاهان پارس (فرتکه) بیان می‌کند که این پرنده یک نماد مذهبی مربوط به آیین زرتشتی است (Curtice, ۲۰۰۷: ۴۲۲-۴۳۰). ورثرغنه یکی از ایزدان اصلی ایرانیان باستان بوده که در دوران هخامنشیان پرستیده می‌شده و به‌عنوان خدای جنگ و پیروزی مطرح بوده است؛ ولی در دوران پارت‌ها تحت نفوذ گرایش‌های بابلی-یونانی، ورثرغنه مانند هرکول، در نقش برجسته‌ها به‌شکل یک پیکره مذکر عریان با چوب‌دستی نشان داده شده است (روشنی‌نژاد، ۱۳۹۱: ۴۰)؛ از این‌رو، پرنده نقرشده روی سکه‌های این دوره را می‌توان کلاغ یا شاهین دانست که نماد ایزد مهر است. نخستین درجه ورود به این آیین با کلاغ نشان داده می‌شود که خدمتکار خورشید به شمار می‌آید (کوپر، ۱۳۹۱: ۱۳۹۱).

گونه پنجم مسکوکات پارت (۲۲۴-۱۰۵م)

دوره پارت متأخر، از دوران بلاش سوم (۱۰۵م) شروع می‌شود و تا اردوان پنجم (۲۲۴م) ادامه دارد. در این دوره، شاهد ضعف و اضمحلال قدرت پارت‌ها هستیم که سرانجام، در سال ۲۲۴م با پیروزی اردشیر اول بر اردوان پنجم، پارت‌ها سقوط می‌کنند. مشخصات مسکوکات این دوره عبارت است از: روی سکه، تصویر نیم‌رخ شاه اشکانی با ریش و سیبل، سربندی شبیه سربند ارد دوم با پاپیون بزرگی که در پشت سر مشاهده می‌شود. تا زمان پارساماسب، او از تیارا شبیه مهرداد دوم با تزیینات گل نیلوفر استفاده کرده است؛ ولی بعد از او تا انتها، سرپوش شاهان شبیه کلاه‌خود می‌شود که با نوارهای افقی و عمودی و بیرون آن، با شاخ تزیین شده است. اولبریشث آنان را برگرفته از سرپوش عشایر آسیای مرکزی می‌داند (Olbrycht, ۱۹۹۷: ۵۲-۵۳) (تصویر ۳). بیشتر شاهان اواخر دوره پارتی، دارای یک تاج بوده و بیشتر از تاج پدرانشان استفاده کرده‌اند؛ ولی اردوان چهارم و پنجم دارای دو سرپوش بوده‌اند: ۱. شبیه کلاه‌خودهای آسیای مرکزی؛ ۲. تیاری شبیه تیاری مهرداد دوم.

۳۱۳). در برخی از سکه‌های پارتی، پرند حلقه قدرت یا پیمان را به نوک گرفته و اعطا می‌کند که آن را نمادی از مهر می‌دانند (زارع، ۱۳۸۷: ۸۷). کریستن سن می‌گوید از آنجایی که روحانیون زرتشتی نتوانستند ایزدان محبوب عامه مردم را به کلی از میان ببرند، به ناچار این ایزدان را در ردیف ایزدان مخصوص گات‌ها قرار دادند. یشت‌های قدیم که در ستایش ایزدانی مانند میترا، ستاره تیشتر و ورثرغنه بودند، با افکار و عقاید زرتشتی مطابقت داده شدند (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۶۲). اگر پرند را نماد ایزد بهرام بدانیم، بهرام با تیشتر (ستاره باران) نیز در ارتباط است. احتمالاً به همین علت، در مسکوکات، نماد ستاره و پرند باهم به کار رفته‌اند.

با بررسی سکه‌های موزه رضا عباسی و کاتالوگ سلوود، روی سکه‌های یک‌درهمی ضرب اکباتان، ونون اول، اردوان دوم، واردانس اول، گودرز دوم، بلاش اول و پاکر دوم، هیچ نمادی همراه با تصویر حاکم مشاهده نمی‌شود. در این دوره، از زمان پاکور دوم، سربندها تغییر می‌کند و سرپوش شاه شبیه کلاه‌خود با تزیینات شاخ گوزن است. این سرپوش در گونه پنجم در سکه‌های بسیاری از حاکمان مشاهده می‌شود.







تصویر ۳- مقایسه کلاه‌خود شرقی در سپاه داک‌ها در ستون ترابانوس (سمت راست) و کلاه‌خود پارت‌ها بر ستون مارکوس اولیوس (سمت چپ) (اردو و زرین کوب، ۱۴۰۰: ۱۲)

و برخی از شاهان، از القاب آرامی استفاده کرده‌اند که نشان از زدودن علائم یونانی در پشت سکه‌ها دارد. در مسکوکات مهرداد چهارم، در پشت سکه به خط پارتی

آنچه در سکه‌های این دوره مشاهده می‌شود، بی‌کیفیت‌بودن تصاویر و خطوط است. در بعضی از نمونه‌ها اشتباهات در حک کلمات یونانی دیده می‌شود

نوشته «میترا دات ملکا» آمده و در مسکوکات شاهان بعدی نیز دیده می‌شود. در سکه‌های یک‌درهمی ضراب‌خانه اکباتان، نمادهای ایزد مهر در روی سکه‌ها مشاهده نمی‌شود.

جدول ۵- گونه پنجم سکه‌های پارت (۱۰۵-۲۲۴م)، موزه رضا عباسی (منبع: نگارنده)

نقوش	مسکوکات	نام حاکم
کماندار و کمان		بلاش سوم (۱۰۹-۱۰۵م)
کماندار و کمان		اسرس اول (۱۰۹-۱۲۹م)
گل نیلوفر، کمان‌دار و کمان		پارتاماسب (۱۱۶م)
کمان‌دار و کمان		مهرداد چهارم (۱۴۰م)
کمان‌دار و کمان		بلاش چهارم (۱۹۱-۱۴۷م)
نقوش استلیزه کمان‌دار		اسرس دوم (۱۹۰م)
نقوش استلیزه کمان‌دار		بلاش پنجم (۲۰۸-۱۹۱م)
نقوش استلیزه کمان‌دار		بلاش ششم (۲۲۸-۲۰۸م)
نقوش استلیزه کمان‌دار		اردوان پنجم (۲۲۴-۲۱۶م)

تحلیل

برای شناسایی و تحلیل بهتر نقش‌مایه‌های مربوط به ایزد مهر در سکه‌های پارسی، نمادهای آن را در متون مذهبی زرتشتی بررسی می‌کنیم. یکی از بخش‌های *اوستا* یشت‌ها نام دارد که مملو از اساطیر مربوط به

ایزدانی چون میترا، آناهیتا، تیشتر (ایزد باران)، وایو (ایزد آسمان و باد) و بهرام (ایزد جنگ و جنگاوری) است. این اساطیر در دوره متأخر اوستایی، بعد از سروده‌های گاهانی قرار دارند؛ ولی در اصل، متعلق به زمان قدیمی‌تر و مربوط به دوره هند و ایرانی‌اند

(ارشاد، ۱۳۸۲: ۶). بدین ترتیب، در یشت شش، هفت بند در ستایش خورشید و یشت هفت، هفت بند در ستایش ماه و یشت هشت، شصت و دو بند در ستایش تیشتر خدای باران آمده است. یشت چهاردهم با شصت و چهار بند، درباره بهرام و تجلی او به ده کالبد در برابر زرتشت است. یشت دهم با صد و چهل و پنج بند، در ستایش میثره است که او را به عنوان خدای پیمان، جنگجو، برآورنده خورشید و ایزدی که گردونه ملازمان همراهی اش می‌کنند و آسمان را می‌پیماید وصف می‌کند. یشت یازدهم با بیست و سه بند و یشت دوازدهم با چهل و هفت بند به سروش و رشن به عنوان همراهان میثره پرداخته است (Kellens and Boyce, ۱۹۸۹: ۶۲۶۶-۳۵۴۴).

مهریشت، دهمین یشت /وستا بعد از فروردین یشت، کهن‌ترین بخش آن است که در بزرگداشت و ستایش مهر سروده شده است. مهریشت دارای ۳۵ بخش و ۱۴۶ بند است (پورداد، ۱۳۷۷). در سرتاسر مهریشت، سخن از بزرگی و جنگجویی مهر است و این ویژگی باعث محبوبیت او بین مردم شده است (ورمازون، ۱۳۸۳: ۱۹). از دیگر ویژگی‌های ایزد مهر بر اساس مهریشت، ارتباط او با پیمان، جنگ و خورشید است (گرشویچ، ۱۳۹۵: ۳۸). خورشیدیشت با هفت بند در ستایش خورشید است. به علت ارتباط خورشید با مهر، بند پنجم این یشت به ستایش این ایزد اختصاص دارد. در بخشی از /وستا سرودی با عنوان خورشید نیایش وجود دارد که در توصیف خورشید است و بقیه مطالب آن در وصف اهورامزدا و امشاسپندان (رضی، ۲۴۶: ۳۷۴). طبق بندهای سیزدهم و نود و پنجم، مهر غیر از خورشید است. مهر فرشته فروغ و روشنایی است که پیش از خورشید وجود داشته است؛ ولی با خورشید در ارتباط است (پورداد، ۱۳۷۷: ۴۰۵).

همچنین مهر، ایزد باران، گیاه و شهریاری، برکت و حاصلخیزی است (Thieme, ۱۹۷۸: ۵۰۲).

ایزد مهر در بخش چهارم و نندیداد (بند ۲) و در بندهای ۱۹، ۲۷ و ۲۸ فرگرد به عنوان پیمان معرفی شده است. در کرده ۱۱، بند ۶ از ایزد مهر به عنوان فراخ چراگاه بعد از نام اهورامزدا، سروش و رشن آمده است. در خرده‌وستا در بخشی به عنوان مهر نیایش، صفات مهر با عنوان دارنده هزار گوش، ده هزار چشم، ایزد نام‌بردار، داور، دارنده چراگاه خوب یاد شده است (پورداد، ۱۳۸۰: ۱۵۶). در یسنا نام ایزد مهر کنار اهورامزدا آمده است: نماز به اهورامزدا، نماز به امشاسپندان، نماز به مهر دارنده دشت‌های فراخ (یسنا، هات ۶۸: بند ۲۲). بدین ترتیب، بنا بر متون مذهبی، جایگاه مهر کنار اهورامزداست.

با توجه به آنچه در متن‌های مذهبی آمده است، نقش‌مایه‌های کمان، گل نیلوفر، زنبق، حلقه، پرند، ستاره و ماه را می‌توان نماد ایزد مهر دانست. حاکمان پارت از همان ابتدای سلطنت، از نمادهای مهر در سکه‌های یک‌درهمی خود استفاده کرده‌اند. احتمالاً استفاده از نمادها نشأت گرفته از روحیه جنگجویی و عشایری آنان است که با ایزد مهر سازگار بوده و ریشه در باورهای قومی آنان داشته است. این نمادها از دوره مهرداد دوم تا اردوان دوم (۱۲۱ق.م - ۳۸م) به اوج می‌رسد، به گونه‌ای که از نماد نیلوفر و زنبق در سرپوش شاهان استفاده شده است. در این دوره، از شاخ گاو و شاخ گوزن نیز در تزیین تیارا استفاده شده، ولی با توجه به اینکه در متون مذهبی /وستا به آن‌ها اشاره‌ای نشده، آن‌ها را نمی‌توان نمادی از ایزد مهر دانست، بلکه این دو نقش، مرتبط با پرستش خدای خورشید در مناطق آسیای مرکزی است و از آنجا که

مهر و خورشید یکسان نیستند، این دو نقش در زمره نمادهای مهری قرار نمی‌گیرند.

از زمان ارد دوم، شاهد نمادهای ماه، ستاره، پرند و حلقه به‌عنوان نمادهای مهری در پشت یا جلوی تصویر حاکم هستیم. در این دوره، با قدرتمند شدن حاکمان پارسی، آنان بیشتر از نمادهای مهری در سکه‌های یک‌درهمی ضرب اکباتان استفاده کرده‌اند. از زمان بلاش اول که در منابع از او به‌عنوان گردآورنده/اوستا یاد شده است، نمادهای مهری تا پایان از سکه‌های یک‌درهمی اکباتان حذف می‌شوند و تنها در سکه‌های یک‌درهمی پارساماسب، تیارای او با نقش گل نیلوفر تزیین شده است. بعد از پارساماسب، سرپوش حاکمان شبیه کلاه‌خودهای عشایر آسیای مرکزی شده است. از نظر تاریخی، در اواخر دوره پارت‌ها بین پارت‌ها، ارمنستان، سمرتی‌ها و داک‌ها اتحادی شکل می‌گیرد که منجر به لشکرکشی رومی‌ها علیه داک‌ها، ارمنستان و پارت‌ها شده و باعث از بین رفتن حلقه ارتباطی پارت‌ها با سرزمین‌های غربی و شمال غربی می‌شود (اردو و زرین‌کوب، ۱۴۰۰: ۲۰). بنابراین شباهت سرپوش‌ها احتمالاً از اتحاد بین آن‌ها ناشی شده است.

نتیجه‌گیری

از دیرباز، بشر مکنونات قلبی خویش را به‌وسیله نماد بیان کرده است. هنر جریانی است که نمادها می‌توانند در مسیر آن تحقق یابند و بدین‌گونه انتقال پیام از طریق تصویر در جوامع شکل می‌گیرد.

برای پی‌بردن به مفاهیم نقوش نمادین در آثار هنری، بهترین روش، استفاده از اساطیر و متون مذهبی جوامع است. بررسی متون مذهبی زرتشتی نشان می‌دهد ایزد مهر، صاحب نیرو و نویدبخش صبح و

باران است و در مهریشت، جنگاوری متعهد به پیمان و شهریاری است که با خورشید ارتباط دارد و به اشکال گوناگونف از جمله کمان، گل نیلوفر، زنبق، حلقه، پرند، ستاره و ماه به تصویر کشیده شده است. از سوی دیگر، با بررسی نقوش سکه‌های پارسی، شاهد نزدیکی و پیوند این نقوش با متون مذهبی مهری هستیم که بر روی و پشت سکه‌ها به نمایش گذاشته شده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد از ۲۴۷ق.م تا ۲۲۴م (اشک اول تا مهرداد اول) پارت‌ها در پشت سکه‌ها از نماد کمان‌دار نشسته بر چارپایه یا اومفالوس استفاده کرده‌اند که تا پایان دوره مشاهده می‌شود. با توجه به جنگجویی پارت‌ها کمان‌دار کمان در دست در پشت سکه‌های پارسی، نشان‌دهنده هویت ملی و قومی و احتمالاً مذهبی آنان است که آن را تا انتها، بدون هیچ تغییری در سکه‌های یک‌درهمی حفظ کرده‌اند. حاکمان پارسی از ۱۲۱ق.م تا ۵۰ق.م (مهرداد دوم تا ارد دوم) نمادهای گل نیلوفر، زنبق، شاخ گاو نر و شاخ گوزن را در تیارا به تصویر کشیده‌اند که نشان‌دهنده نمادهای مذهبی مهر و سنت‌های کهن شرقی است. بیشترین نمادهای مذهبی، از دوره ۵۰ق.م تا ۱۰۵م (ارد دوم تا بلاش اول) مشاهده می‌شود که شامل ماه، ستاره، حلقه و پرند است. بر اساس متون زرتشتی، پرند نماد ایزد بهرام (ورثرغنه) است؛ ولی در دوره پارت، ایزد بهرام در نقش برجسته‌ها تحت تأثیر هرکول، به‌شکل پیکره مذکر که چوب‌دستی در دست دارد، مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده قدرت جسمانی اوست؛ از این‌رو، پرند همراه با حلقه در سکه‌های پارسی احتمالاً شاهین یا کلاغ است که نماد ایزد مهر است. اگر هم پرند را ایزد بهرام (ورثرغنه) در نظر بگیریم، با توجه به خویشکاری ایزدان، نماد پیروزی به شمار می‌آید. مسلماً حاکمان پارسی بیشتر از نمادهای

حاکمان پارت در مسائل مذهبی دارای تساهل و تسامح بوده‌اند، مذهبی را به‌عنوان مذهب رسمی اعلام نکرده‌اند؛ ولی بیشتر نمادهای ایزد مهر را در سکه‌هایشان به کار برده‌اند.

سیاسگزاری

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از سرکار خانم کردبیک، مسئول گنجینه موزه رضا عباسی، به پاس همکاری‌های بی‌دریغشان صمیمانه تشکر کنند.

ایزد مهر در سکه‌های خود استفاده کرده‌اند؛ اما به نگاه از سال ۱۰۵ م تا پایان دوره، نمادهای مذهبی در روی سکه‌ها از بین رفته و تنها در پشت سکه، کمان‌دار نشسته بر اورنگ شاهی مشاهده می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد بعد از بلاش اول که در منابع از او به‌عنوان گردآورنده /وستا یاد شده است، نمادهای ایزد مهر در سکه حذف شده‌اند. با توجه به اینکه در /وستای گاهانی که سروده زرتشت است، از مهر یا میثرا نام برده نشده و در /وستای متأخر نام مهر آمده است، این احتمال وجود دارد که در این دوره، مهریشت به /وستا اضافه شده باشد؛ از این رو، شاهان پارت، آگاهانه نمادهای ایزد مهر را از روی سکه‌ها حذف کرده‌اند. در پایان می‌توان گفت از آنجایی که

فهرست منابع

- ۱- اردو، رضا و روزبه زرین‌کوب (۱۴۰۰)، اتحاد اشکانیان با سمرتیان و داکیان در اوایل سده دوم میلادی، پژوهش‌های ایران‌شناسی، (۳) ۱۱: ۲۷-۱.
- ۲- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم (۱۳۷۹)، اسطوره، بیان نمادین، تهران: سروش.
- ۳- ارشاد، محمدرضا (۱۳۸۲)، گستره اسطوره، تهران: هرمس.
- ۴- افکنده، احسان و فاطمه افشاری (۱۳۹۸)، خاستگاه سرپوش در نخستین سکه‌های اشکانی از ارشک یکم تا مهرداد یکم، پژوهش‌های علوم تاریخی، (۲) ۱۱: ۴۱-۲۱.
- ۵- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۸۶)، دینکرد، تهران: معین.
- ۶- آموزگار، ژاله (۱۳۸۷)، تاریخ اساطیری ایران، تهران: سمت.
- ۷- الیاده، میرچا (۱۳۷۹)، علم تاریخ ادیان، شناخت دانش ادیان، ترجمه و گردآوری همایون همتی، تهران: نقش جهان.
- ۸- برومند، صفورا (۱۳۹۳)، کمان‌دار، اومفالوس و اورنگ: بازشناسی دلالت ضمنی سه نماد بر سکه‌های اشکانی، مطالعات تاریخ فرهنگی، (۲۰) ۱۴-۱: ۵.
- ۹- بلخاری، حسن (۱۳۸۴)، تجلی لوتوس در آیین و هنر ایران و هند، کتاب ماه هنر، مرداد و شهریور، ۸۳ و ۸۴: ۳۴-۲۶.
- ۱۰- بهار، مهرداد (۱۳۷۵)، از اسطوره تا تاریخ، تهران: حقیقت.
- ۱۱- _____ (۱۳۹۰)، بندهشن، ج ۲، تهران: توس.
- ۱۲- پرهام، سیروس (۱۳۷۸)، جلوه‌های اساطیری و نمادهای نخستین در قالی ایرانی، دانش، ۱: ۴۷-۴۰.
- ۱۳- پرادا، ایدت، رابرت دایسون و چارلز ویلکینسون (۱۳۹۱)، هنر ایران باستان (تمدن‌های پیش از اسلام)، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۴- پورداود، ابراهیم (۱۳۴۶)، کمان و تبر، بررسی‌های تاریخی، (۱) ۲۹-۴۵.
- ۱۵- _____ (۱۳۷۷)، یشت‌ها، ج ۲ تهران: اساطیر.

- _____ (۱۳۸۰)، یسنا، تهران: اساطیر.
 - _____ (۱۳۸۰)، خرده اوستا، تهران، اوستا.
 - _____ (۱۳۸۱)، ویسپرد، به‌کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: ابن‌سینا.
 - روشنی‌نژاد، محمدعلی (۱۳۹۱)، تثبیت جایگاه ایزد بهرام، اسطوره جنگ پیش زرتشتی ایرانیان باستان در معارف زرتشتی، عرفانیات در ادب فارسی و عرفان، (۳) ۱۰: ۳۴-۵۰.
 - رضی، هاشم (۱۳۷۴)، اوستا، تهران: فروهر.
 - زارع، شهرام (۱۳۸۹)، چو خورشید زد پنجه بر پشت گاو: آیا شاهین نماد جانورنمای ایزد مهر است؟، باستان‌پژوهی، ۶: ۹۳-۷۷.
 - زمردی، حمیرا (۱۳۸۷)، نمادها و رمزهای گیاهی در شعر فارسی، تهران: زوار.
 - روشن‌ضمیر، بهرام (۱۳۹۶)، پرستش میترا در ایران پیش از ساسانیان، جندی‌شاپور، (۷) ۲: ۵-۱۸.
 - حیدر نتاج، وحید و میترا مقصودی (۱۳۹۸)، مقایسه تطبیقی مضامین مشترک گیاهان مقدس در نقش‌مایه‌های گیاهی معماری پیش از اسلام ایران و آرایه‌های معماری دوران اسلامی (با تأکید بر دوره امویان و عباسیان)، باغ نظر، (۷۱) ۱۶: ۵۰-۳۵.
 - سرفراز، علی‌اکبر و فریدون آورزمانی (۱۳۸۰)، سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، تهران: سمت.
 - سلوود، دیوید (۱۳۸۰)، سکه‌های پارتی، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، در: تاریخ کمبریج، ج ۳، قسمت ۱، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
 - شکوری‌فر، ملیحه و سیروس نصرالله‌زاده (۱۳۹۵)، پیگیری سنت‌های ایرانی در سکه‌های اشکانی، جستارهای تاریخی، (۱) ۷: ۴۵-۲۱.
 - غلامی، کیارش (۱۳۹۲)، سکه‌های اشکانی، بازنگری تاریخ و سکه‌شناسی اشکانیان، تهران: پازینه.
 - فرای، ریچارد (۱۳۸۰)، میترا در باستان‌شناسی ایران، در: دین مهر در جهان باستان (مجموعه گزارش‌های دومین کنگره بین‌المللی مهرشناسی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: توس).
 - کریستن سن، آرتور (۱۳۷۴)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
 - کورتیس، وستا سرخوش و سارا استیوارت (۱۳۹۰)، احیای ایران در دوره پارت‌ها و روزگارشان، پژوهشی در تاریخ ایران باستان، ترجمه محمود فاضلی بیرجندی، تهران: پایان.
 - کفشچیان مقدم، اصغر (۱۳۹۰)، بررسی عناصر نمادین در نگارگری ایران، باغ نظر، (۱۹) ۸: ۷۶-۶۵.
 - کوپر، جی. سی. (۱۳۹۱)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: فرهنگ نشر نو.
 - کومون، فرانسیس (۱۳۸۶)، دین مهری، ترجمه احمد آجودانی، چ ۱، تهران: ثالث.
 - _____ (۱۳۸۳)، آیین پرمزوراز میترای، رازهای میترا، تهران: بهجت.
 - گرشویچ، ایلیا (۱۳۹۵)، آموزه و آیین زرتشت، ترجمه جواد دانش‌آرا و منیژه اذکایی، تهران: ثالث.
 - منتظری هدشی، منا، بی‌تا سودایی، حسین علیزاده و حسن درخشی (۱۴۰۱)، نقوش گیاهان اساطیری و مقدس در هنر اشکانی با تأکید بر نقوش مسکوکات، نگره، ۶۱: ۱۹۵-۱۷۹.
 - ورمازون، مارتین (۱۳۸۳)، آیین میترا، ترجمه نادر بزرگ‌زاده، چ ۳، تهران: چشمه.
 - ویدنگرن، گئو (۱۳۷۷)، دین‌های ایران باستان، ترجمه مهری باقری، تهران: قطره.
 - یونگ، کارل گوستاو (۱۳۹۹)، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه، چ ۲، تهران: جامی.
- Alan. J.B. Wace, (۱۹۰۲/۱۹۰۳), Apollo Seated in the Omphalos: A Statue at Alexandria, The Annual British School at Athens, Vol. ۹, pp. ۲۱۱-۲۴۲.
 - Assar, G.R.F. (۲۰۰۳), A Revised Parthian Chronology of the period ۱۴۱-۵۴ BC, ۱-۹۴. only available at <http://Parthia.com/private/download.htm>.
 - _____ (۲۰۰۵), A Revised Parthian Chronology of the period ۹۱-۵۰ BC, Parthica, Pisa, Roma, pp ۳۶-۸۷.

- Boyce, Mary (۱۹۶۹), On Mithra's Part in Zoroastrianism, *Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London*, Vol. ۳۲, No. ۱, pp. ۱۰-۳۴.
- Curtis, V.S. (۲۰۰۷), Religious Iconography on Ancient Iranian Coins, in *After Alexander: Central Asia before Islam*, by J. Cribb and G. Herrmann, London: The British Academy & Oxford University Press, pp. ۴۱۳-۴۳۴.
- _____ (۲۰۰۷), The Iranian Revival in the Parthian Period, in *The Age of the Parthians, The Idea of Iran, Volume II*, Edited By Vesta Sarkhosh Curtis and Sarah Stewart, pp. ۷-۲۵.
- Darmesteter, J. (۱۸۸۳), *The Zand-Avesta, Part II. Sîrôzahs, yašts, and Nyâyiš* (F.M. Müller (ed.), *The Sacred Books of the East*, XXIII), Oxford.
- Graves, Robert (۱۹۷۳), *The Greek Myths: ۱*, Great Britain, Penguin Books.
- Erickson, K. & N. Wright (۲۰۰۹), The royal archer and Apoloo in the east, *Proceedings of the XIVth international Numismatic Congress Glasgow*.
- Farrokh, K (۲۰۰۷), *Shadows in Desert, Ancient Persia at War*, Oxford: Osprey Publ.
- Justinus, M. (۲۰۱۱), *Epitome of the Philippic History of Pompeius Trogus, Vol. II*, Books.
- Killens, L & M. Boyce (۱۹۸۹), *Avesta and Avestan people*, *Encyclopaedia Iranica*, Vol. ۳, Ed. Ehsan Yarshater, London and New York.
- Olbrycht, M.J. (۱۹۹۷), Parthian King's Tiara: Numismatic Evidence and some Aspects of Arsacid Political Ideology, *Notae Numismatae*, Vol. ۲.
- Root, M.C. (۱۹۷۹), *The King and Kingship in Achaemenid Art: Essays on the Creation of an Iconography of Empire*, Leiden.
- Sellwood, D. (۱۹۸۰), *An Introduction to the Coinage of Parthia*, London: Spink & Son Ltd, Bibliography.
- Shaked, Sh. (۱۹۸۰), *Mihr the Judge*, *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, II, ۱۵.
- Schmidt, E. (۱۹۷۰), *Persepolis III: The Royal Tombs and Other Monuments*, Chicago, University of Chicago Press
- Thieme, P. (۱۹۷۸), *Mithra in the Avesta, Etudes Mithriaques (Acta Iranica ۱۷)*. Tehran Liege
- _____ (۱۹۶۰), *The 'Aryan' Gods of the Mitanni Treaties*, *JAOS*, ۸۰
- _____ (۱۹۷۸), *Mithra in the Avesta, Etudes Mithriaques (Acta Iranica ۱۷)*, Tehran
- Wolski, J. (۱۹۹۳), *L'empire des Arsacides*, *Acta Iranica ۳۲*, Lovanii, Aedibus Peeters.
- Welles, C.B. (۱۹۳۴), *Royal Correspondence in the Hellenistic Period: A study in Greek Epigraphy*, USA: New Haven, Letter of Seleucus I to Miletus. ۲۸۸/۷ BC, p. ۳۶.